

# مدلی نوین درباره نقش سرمایه‌گذاری نرم اجتماعی بر عملکرد معلمان: مطالعه موردی رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی و عملکرد

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۱۵

ناهید باقری<sup>۱</sup>

محسن گل‌پرور<sup>۲\*</sup>

## چکیده

**مقدمه:** نگاه سرمایه‌ای به ظرفیت‌های انسان، طی سال‌های اخیر همسو با گسترش رویکرد مثبت‌نگر در روان‌شناسی گسترش چشمگیری پیدا کرده است. این پژوهش با هدف بررسی الگوی ساختاری رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی و عملکرد شغلی اجرا شد.

**روش:** روش پژوهش همبستگی و جامعه آماری پژوهش را معلمان مقطع ابتدایی منطقه برخوردار در شهر اصفهان تشکیل دادند که از بین آن‌ها دویست و نود نفر به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی گل‌پرور (۱۳۹۶)، پرسشنامه سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی گل‌پرور (۱۳۹۷) و پرسشنامه عملکرد شغلی ویگوداگادت و همکاران (۲۰۰۷) بودند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و الگوسازی معادله ساختاری (SEM) تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی و عملکرد شغلی و بین سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی با عملکرد شغلی رابطه مثبت و معنادار ( $P < 0/01$ ) وجود دارد. نتایج مدل‌سازی معادله ساختاری و تحلیل واسطه‌ای نشان داد که سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی متغیر واسطه‌ای کامل در رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با عملکرد شغلی است.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های این پژوهش در مجموع نشان می‌دهد که از طریق سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی و سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی می‌توان عملکرد شغلی معلمان را ارتقاء بخشید.

**واژه‌های کلیدی:** سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی، سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی، عملکرد شغلی، معلمان.

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

\* نویسنده مسئول: drmgolparvar@gmail.com

## New Model about the Role of Soft Social Investments on Teachers' Performance of the Relationship between Social Collective Investment with Affective Collective Investment and Performance

Nahid Baghery<sup>1</sup>  
Mohsen Golparvar<sup>2\*</sup>

### Abstract

**Introduction:** The capitalistic view of human capacities has expanded dramatically in recent years in line with the development of a positive approach to psychology. This research was administered with the aim of investigating a structural model of the relationship between a social collective investment with affective collective investment and job performance among teachers.

**Method:** the research method was correlation and research statistical population was the primary school teachers in Borkhar district in Isfahan city, among them two hundred and ninety persons were selected using simple random sampling. The research instrument included social collective investment (Golparvar, 2017), affective collective investment (Golparvar, 2017) and job performance (Vigoda-Gadot et al, 2007). Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and structural equation modeling (SEM).

**Results:** Results revealed that there is a positive significant relationship between the social collective investment with the affective collective investment and job performance ( $p < 0.01$ ), and between the affective collective investment with job performance ( $p < 0.01$ ). Results of structural equation modeling and mediation analysis indicated that affective collective investment is a complete mediator on the relationship between the social collective investment and job performance.

**Conclusion:** In general, the results of current research showed that through social collective investment and affective collective investment we can enhance teachers' job performance.

**Keywords:** social collective investment, affective collective investment, job performance, teachers.

1. MA in I/O Psychology, Department of I/O Psychology, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran.

2. Associate Professor, Department of I/O Psychology, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran.

\* corresponding author: drmgolparvar@gmail.com

## مقدمه

جنبش تغییر چشم‌اندازهای سرمایه‌ای از سرمایه اقتصادی به‌عنوان سرمایه‌ای مبتنی بر ساختارهای مالی و فیزیکی، یا به‌عبارتی دقیق‌تر سرمایه سخت<sup>۱</sup> (سخت‌افزاری) به سرمایه نرم<sup>۲</sup>، که تاروپودش با آغاز جنبش مثبت‌نگری به انسان و ظرفیت‌هایش در هم‌تنیده شده، به‌آرامی دنیای علم و اندیشه بشری را به‌سوی اهمیت روزافزون سازه‌های سرمایه‌ای نرم مانند سرمایه معنوی<sup>۳</sup> (نیوبرت، برادلی، آردیانتی و سیمیو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵؛ گل‌پرور و جوادیان، ۲۰۱۶)، سرمایه عاطفی<sup>۵</sup> (گل‌پرور، ۱۳۹۵)، سرمایه روان‌شناختی<sup>۶</sup> (لوتانز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲) و سرمایه اجتماعی<sup>۸</sup> (فار<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴) سوق داده است. چیزی در حدود دودهمه از زمان مطرح شدن رسمی پارادیم مثبت‌نگری می‌گذرد (روبرتسون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۵) و از آن زمان تاکنون به‌تدریج اشکال نوینی از سرمایه نرم در متون علمی مطرح شده‌اند. یکی از مهمترین مزایای مطرح شدن اشکال مختلف سرمایه نرم برای انسان، تجمیم سازه‌های برآمده از دیدگاه‌های مختلف تحت نام سازه مرتبه دوم نوین و کاهش سردرگمی در اثر نظریه‌پردازی‌های پراکنده می‌باشد. مزیت دیگر مطرح شدن هر یک از این سرمایه‌های نرم انسانی، با توجه به دل‌بستگی و تمایلی که اغلب انسان‌ها به سرمایه اقتصادی در راستای بقای ادراک‌شده هرچه مطلوب‌تر خود دارند، ایجاد برانگیختگی و توجه بیشتر به این سازه‌ها در راستای بهره‌مندی از مزایای حضور آن‌ها در زندگی است. بالاخره مزیت سومی که اجتناب‌ناپذیر است، فاصله دادن انسان و مجامع علمی از نگاه‌های تک‌ساختی اقتصادی و مادی به انسان و ظرفیت‌های او است. در راستای مزایای مورد اشاره، اکنون از نگاه سرمایه‌محور می‌توان الگوی انسان رو به شکوفایی را انسانی دانست که تلاشی دائمی را در مسیر ایجاد و استفاده بهینه از سرمایه‌های سخت و نرم مختلف خود صرف می‌کند. چنین انسانی، از یک نگاه علمی، ظرفیت‌های بالقوه معنوی، عاطفی، روان‌شناختی و اجتماعی خود را در کنار تمام فرصت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی و مادی‌اش برای ساختن جهانی سرشار از زاینده‌گی و شکوفایی برای خود و جامعه انسانی صرف خواهد کرد.

تمرکز بر انسان خودشکوفای چندساختی که به‌طور اختصار از نگاه سرمایه‌محور مورد اشاره قرار گرفت، نیاز به جنبشی مکمل در درون جنبش مثبت‌نگر متمرکز بر سرمایه‌های نرم انسانی را برجسته می‌سازد. در کلامی آشکارتر، اگر نگاهی به متون حوزه سرمایه معنوی، سرمایه روان‌شناختی و سرمایه عاطفی بیندازیم، آشکارترین نکته، چه در سطح سنجش و چه در سطح نظریه و پژوهش،

1. hard capital
2. soft capital
3. spiritual capital
4. Neubert, Bradley, Ardianti & Simiyu
5. affective capital
6. psychological capital
7. Luthans
8. social capital
9. Farr
10. Robertson

تمرکز بر حضور برخی ظرفیت‌های شناختی، معنوی و عاطفی در انسان‌ها است. اگرچه این تمرکز بر حضور برخی ظرفیت‌های شناختی، معنوی و عاطفی در انسان‌ها به‌خوبی قابل حمایت و مثبت است، ولی اکنون زمان آن فرا رسیده تا مسیرهای پژوهش علمی به‌طور موازی بر تلاش‌های گروهی و جمعی انسان‌ها برای ایجاد و ارتقاء سرمایه‌های نرم انسانی در اشکال مختلف خود متمرکز شوند. جستجوی ساده در منابع اطلاعاتی اینترنتی و غیراینترنتی به‌خوبی نشان می‌دهد که در حوزه اقتصادی، چندین سال است که سرمایه‌گذاری انبوه و جمعیتی<sup>۱</sup> که حاوی مضمون استفاده از سرمایه‌های کوچک پراکنده برای تجمیع و افزایش بازدهی اقتصادی و مالی است، در جوامع مختلف مورد توجه قرار گرفته و اندیشمندان و پژوهشگران نیز به این نیاز جوامع با انجام پژوهش‌های راهگشا همراهی نموده‌اند (ایزو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷؛ مولیک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴؛ موریتز و بلاک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵). قدمت دیرینه موضوع سرمایه‌گذاری انبوه یا جمعیتی، این احساس را ایجاد می‌کند که علی‌رغم پیشروی مطلوب پژوهش و نظریه‌پردازی در حوزه انواع سرمایه‌های نرم انسانی، در حوزه سرمایه‌گذاری‌های نرم، بی‌توجهی و غفلت صورت گرفته است. نیاز به جنبش مکملی که به آن در مسیر صورت‌بندی مسئله پژوهش حاضر مورد اشاره قرار گرفت، تلاشی خواهد بود در راه فائق‌آمدن بر غفلتی که به‌نظر می‌رسد، نسبت به سرمایه‌گذاری نرم اتفاق افتاده است (گل‌پرور، ۱۳۹۷). گل‌پرور (۱۳۹۷) به‌عنوان نقطه شروع جنبش مکمل ترویج و اشاعه تلاش‌های متمرکز بر سرمایه‌گذاری‌های نرم، اشکال چندی از سرمایه‌گذاری نرم شامل سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی<sup>۵</sup>، سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی<sup>۶</sup>، سرمایه‌گذاری جمعی معنوی<sup>۷</sup> و سرمایه‌گذاری جمعی روان‌شناختی<sup>۸</sup> را همراه با ابزارهای سنجش این متغیرها معرفی و مطرح نموده است. در پژوهش حاضر در حمایت اولیه از اشکال سرمایه‌گذاری نرم بر دوسازه این حوزه، یکی سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی و دیگری سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی و نقش این دو بر عملکرد شغلی معلمان به‌عنوان هدف اصلی تمرکز شده است.

بنیان‌های نظری مطرح برای هریک از اشکال سرمایه‌گذاری جمعی مورد اشاره در مقدمه، همان بنیان‌های نظری مربوط به اشکال سرمایه‌های نرم انسانی، یعنی سرمایه اجتماعی، سرمایه عاطفی، سرمایه معنوی و سرمایه روان‌شناختی است. تفاوت اصلی در نگاه سرمایه‌های نرم انسانی نسبت به نگاه سرمایه‌گذاری نرم، در این است که در نگاه سرمایه‌ای بر حضور شاخص‌های سرمایه اجتماعی، معنوی، عاطفی و روان‌شناختی در انسان‌ها و نقش‌ها و کارکردهای آن‌ها برای انسان تاکید می‌شود. در حالی که در رویکرد سرمایه‌گذاری نرم به تلاش‌های جمعی برای ایجاد و تقویت هریک از این

1. crowd funding

2. Izzo

3. Mollick

4. Moritz & Block

5. social collective investment or social crowd funding

6. affective collective investment or affective crowd funding

7. spiritual collective investment or spiritual crowd funding

8. psychological collective investment or psychological crowd funding

اشکال سرمایه پرداخته می‌شود. بنابراین رویکرد نظری سرمایه‌گذاری نرم نسبت به رویکرد سرمایه‌های نرم انسانی ماهیت پراگماتیک (عمل‌گرایی) اجتماعی دارد. در چنین بافتی ابتدا لازم است تا از لحاظ نظری مشخص شود که بنیان‌های نظری و رویکردهای مطرح برای هر یک از اشکال سرمایه نرم انسانی چیست. در همین راستا در ادامه با اشاره‌ای اجمالی به بنیان‌های نظری دوسازه سرمایه اجتماعی و سرمایه عاطفی، به مسئله اصلی پژوهش که نقش سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی بر سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی و عملکرد شغلی در معلمان است خواهیم پرداخت.

سرمایه اجتماعی سازه‌ای با قدمت دیرینه در عرصه جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی اجتماعی است. مانند بسیاری از سازه‌های دیگر، سازه سرمایه اجتماعی در حوزه‌های مورد اشاره از منظرهای مختلفی تعریف و بعدبندی شده است (سیمی، آقاییوسفی، مخلوق و محمدی، ۱۳۹۶؛ عرب یارمحمدی و الهی، ۱۳۹۶). زوریچ<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در اشاره به تنوع و گستردگی مفاهیم و مضامین تحت پوشش اصطلاح سرمایه اجتماعی اشاره نموده که این اصطلاح، اصطلاحی با "اشتهای گسترده"<sup>۲</sup> است که مفاهیم فردی و اجتماعی بسیار زیادی را در خود جای داده است. از میان دیدگاه‌ها و تعاریف مطرح شده برای سرمایه اجتماعی، همان‌طور که پکستون<sup>۳</sup> (۱۹۹۹ و ۲۰۰۲) خلاصه‌ای از نظریات این اندیشمندان را ارائه نموده، دیدگاه دو اندیشمند و نظریه‌پرداز این حوزه، یعنی بوردیو<sup>۴</sup> (۱۹۸۹) و کلمن<sup>۵</sup> (۱۹۸۸ و ۱۹۹۰) قرابت و زمینه مطلوبی برای وارد شدن به عرصه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی دارد. به باور بوردیو (۱۹۸۹) و کلمن (۱۹۸۸ و ۱۹۹۰) سرمایه اجتماعی با تمرکز بر روابط اجتماعی بین انسان‌ها، قادر به تسهیل تولید محصولات اقتصادی و غیراقتصادی است. با چنین تأکیدی، پکستون (۱۹۹۹ و ۲۰۰۲) این ایده را مطرح نموده که سرمایه اجتماعی شکلی از روابط عینی عمومی بین افراد و انواعی از روابط خاص بین انسان‌ها نظیر روابط متقابل (مبتنی بر مقابله به مثل)، روابط اعتمادآمیز و روابط حاکی از هیجان‌های مثبت است. از چنین منظری، سرمایه اجتماعی قادر به ایجاد محصولات فردی و جمعی مختلف خواهد بود. در صورت‌بندی پکستون (۲۰۰۲) از سرمایه اجتماعی این سازه از یک‌طرف بر مبنای روابط بین‌فردی و از طرف دیگر بر سازه‌های روابط عینی، اعتمادآمیز و هیجان مثبت صورت‌بندی شده است. با نگاهی به متون علمی در دسترس، نظیر آدلر و کوان<sup>۶</sup> (۲۰۰۲)، پورتس<sup>۷</sup> (۱۹۹۸ و ۲۰۰۰)، گابای و زاگرن<sup>۸</sup> (۱۹۹۸)، گرگیولو و برناسی<sup>۹</sup> (۱۹۹۹) و گیلبرت، کوئین، گودمن، بوتلر و والاس<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۳) نیز می‌توان اجماع

1. Đorić
2. huge appetite
3. Paxton
4. Bourdieu
5. Coleman
6. Adler, P., & Kwon
7. Portes
8. Gabbay & Zuckerman
9. Gargiulo & Bernassi
10. Gilbert, Quinn, Goodman, Butler & Wallace

قابل توجهی در حوزه مباحث سرمایه اجتماعی از چشم اندازهای مختلف را در روابط بین فردی مبتنی بر اعتماد و معطوف به رفاه جمعی و فردی به طور همزمان شاهد بود.

از همین منظر نیز می توان با ورود به عرصه تلاش های جمعی و گروهی برای ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد متقابل و تمایل به رفاه جمعی، از سرمایه گذاری جمعی اجتماعی سخن به میان آورد. تلاش برای بسط مفهوم سرمایه اجتماعی به حوزه سرمایه گذاری را برای اولین بار توسط الینگر، الماداباش، الینگر، وانگ و باچ راج<sup>۱</sup> (a & b، ۲۰۱۱) و الینگر، موسگرو<sup>۲</sup>، الینگر، باچ راج، الماداباش و وانگ (۲۰۱۳) تحت عنوان سرمایه گذاری سازمان بر سرمایه اجتماعی<sup>۳</sup> شاهد هستیم. در ایران نیز نمونه پژوهش هایی در حوزه برخی نقش های سرمایه گذاری سازمان بر سرمایه اجتماعی صورت گرفته است (عسکری نیا، ۱۳۹۳؛ قاضی فر، نیلی پور و اکبری، ۱۳۹۲؛ فروغی و گودرزوند چگینی، ۲۰۱۶؛ نعمتی، اکبرزاده صفوئی، زنگیان و باقرصادرنانی، ۲۰۱۷). تأکید الینگر و همکاران (۲۰۱۳) در سازه سرمایه گذاری سازمان بر سرمایه اجتماعی به طور عمده بر تلاشی که مدیران برای برقراری روابط و پیوندهای اجتماعی مثبت و حمایت گرانه در سازمان صرف می کنند، معطوف است. علی رغم غیرقابل انکار بودن نقش مراجع رسمی قدرت در ایجاد سرمایه اجتماعی در محیط های اجتماعی، تلاش جمعی در تمامی سطوح و تمامی آحاد انسانی در هر محیط اجتماعی با واقعیت های اجتماعی دنیای بشر و با رویکردهای مثبت نگر به نقاط قوت و تلاش های مثبت انسانی همخوانی بالاتری دارد. در همین راستا نیز توسط گل پرور (۱۳۹۷) اصطلاح سرمایه گذاری جمعی اجتماعی مطرح شده است. با توجه به مبانی مستند مطرح شده در حوزه سرمایه اجتماعی و سرمایه گذاری جمعی اجتماعی، از نظر حیظه مسئله مورد نظر در پژوهش حاضر، اولین مسئله در این پژوهش این است که سرمایه گذاری جمعی اجتماعی از نظر کارکردی دارای چه پیامدهایی است؟ مروری بر متون علمی نشان می دهد که سرمایه اجتماعی و به تبع آن سرمایه گذاری جمعی اجتماعی، می تواند پیامدهای گسترده و وسیعی را در سطح خرد و کلان تحت تاثیر خود قرار دهد. آدلر و کوان (۲۰۰۲) در مروری که بر مطالعات حوزه سرمایه اجتماعی در محیط های کار و سازمانی انجام داده اند، طیف گسترده ای از پیامدهای مرتبط با سرمایه اجتماعی نظیر افزایش موفقیت شغلی و کاری، جبران خدمات مطلوب تر، کمک به یافتن شغل مناسب دارای شرایط شغلی و حقوقی مناسب، تسهیل مبادله منابع کاری در بین بخش ها و نوآوری در محصولات، ارتقاء سرمایه فکری، ارتقاء اثربخشی متقابل بین بخش های کاری، کاهش تمایل به ترک شغل و کار، افزایش کارآفرینی، تقویت روابط بین تامین کنندگان منابع اولیه تولیدی، تقویت شبکه های تولید محلی و ارتقاء یادگیری بین سازمانی را مورد اشاره قرار داده اند. علاوه بر پیامدهای مورد اشاره، آن گونه که گل پرور (۱۳۹۵) پیشینه مربوط به این حوزه را بررسی و ارائه نموده، روابط مثبت و قابل اعتماد اجتماعی و تلاش در راستای

1. Ellinger, [Elmadağ Baş](#), Ellinger, Wang & Bachrach

2. Musgrove

3. organizational investments in social capital

برقراری این نوع روابط با تجربه عواطف مثبت و شادمانی دارای ارتباط است. نوین‌ترین سازه در حوزه سرمایه نرم که دارای بارعاطفی مثبت است و با سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد متقابل و تمایل به رفاه جمعی دارای رابطه می‌باشد، سرمایه عاطفی است.

سرمایه عاطفی از نظر تعریف عبارت است از «حالتی از نشاط و جوشش عاطفی مثبت درونی است که قابلیت تاثیرگذاری بر رفتارها و انتخاب‌های انسان را دارد و حداقل دارای سه مولفه عاطفه مثبت شبه حالت<sup>۱</sup>، احساس انرژی<sup>۲</sup> و شادمانی<sup>۳</sup> است» (گل‌پرور، ۱۳۹۵، ص ۵). این سازه معیارهای مطرح برای تلقی یک سازه به‌عنوان یک سازه مثبت و یک سازه مبتنی بر سرمایه نرم انسانی را از دیدگاه روانشناسی مثبت‌نگر تامین می‌کند و مستندات پژوهشی لازم برای حمایت از نیاز به افزوده شدن این سازه به سازه‌های مثبت‌نگر در روانشناسی را دارا می‌باشد (ستارخانی‌مقدمی، ۱۳۹۶؛ کاویان، ۱۳۹۶؛ گل‌پرور، ۱۳۹۵). شواهد پژوهشی حمایت‌کننده از این سازه، نشان داده که سازه سرمایه عاطفی فراتر از سرمایه روان‌شناختی، سرمایه معنوی، فضایل انسانی، فضایل سازمانی و متغیرهای شناخته شده و مطرح دیگر، به‌عنوان یکی از اشکال نوین سرمایه نرم، با موفقیت، کیفیت زندگی کاری و اشکال مختلف رفتارهای مثبت و منفی و عملکرد در انسان‌ها دارای رابطه است (گل‌پرور، ۱۳۹۵). همانند سازه سرمایه اجتماعی، سازه سرمایه عاطفی نیز با تلاش‌های جمعی و گروهی برای ایجاد حالات عاطفی مثبت، شادمانی و احساس انرژی در محیط و دیگران می‌تواند به سازه سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی تبدیل شود (گل‌پرور، ۱۳۹۷). سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی نیز در راستای تعریف سرمایه عاطفی، عبارت است از «اقدامات رفتاری انبوه (جمعی و گروهی) اعضای یک سازمان یا جامعه برای تأمین و ارتقاء سرمایه عاطفی (شامل عاطفه مثبت شبه حالت، احساس انرژی و شادمانی) مورد نیاز برای تحقق اهداف معطوف به تلاش و بارآوری انسانی در کل اعضاء در سازمان یا جامعه» (گل‌پرور، ۱۳۹۷، ص ۳۰۴). نکته حائز اهمیت این‌که، سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی چگونه و از طریق چه سازوکاری می‌تواند موجبات تقویت سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی را در انسان‌ها فراهم آورد؟

نظریات حوزه روابط مبتنی بر اعتماد (یوتلر و راندال<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲؛ سیمپسون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷)، همراه با نظریات معطوف به نقش روابط دوستانه در ایجاد حالات عاطفی مثبت (نیون، هالمن و توتوردل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹؛ نیون، توتوردل و هالمن، ۲۰۱۲)، را به‌خوبی می‌توان در خصوص تبیین نظری رابطه بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی مطرح نمود. دیرزمانی است، اندیشمندان حوزه روابط اجتماعی، روابط نودوستانه و مبتنی بر اعتماد را عاملی در راستای تحکیم

1. quasi - state positive affect
2. feeling of energy
3. happiness
4. Butler & Randall
5. Simpson
6. Niven, Holman & Totterdell

پیوندهای انسانی در محیط‌های مختلف معرفی نموده‌اند. عامل اصلی در تحکیم پیوندهای انسانی همان روابط نودوستانه و قابل اعتماد است که محوریتی اساسی در صورت‌بندی‌های نظری سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی دارد. از طرف دیگر در حین روابط مبتنی بر اعتماد و نودوستی، انسان‌ها حالات هیجانی و عاطفی مثبتی را به دلیل احساس حمایت، اعتماد و تلاش برای حفظ روابط مثبت خود تجربه می‌کنند (وکادانویچ‌گریتام، هالینگ، آزبورن و لینلی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). جامع‌ترین حمایت پژوهشی برای رابطه بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی در مطالعه کلاو، زنگ، کومار، اولگیاتی و برکمن<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) که در مقیاسی جهانی بر روی ۱۴۲ کشور در جهان انجام شده ارائه شده است. کالو و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه خود نشان داده‌اند که سه شاخص سرمایه اجتماعی شامل حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و دواطلب شدن اجتماعی با تجربه حالات و عواطف مثبت دارای رابطه هستند. البته بنابر گزارش کالو و همکاران (۲۰۱۲) این رابطه در کشورهای دارای شرایط اقتصادی متوسط و بالا نسبت به کشورهای دارای شرایط اقتصادی ضعیف نیرومندتر بوده است. هان، کیم، لی و لی<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) نیز در مطالعه خود نشان دادند که کلیه شاخص‌های سرمایه اجتماعی مانند حمایت و اعتماد با شادمانی ذهنی در انسان‌ها در ارتباط است. این نتیجه در مطالعه لیونگ، کایر، فونگ، فونگ و اسپرولی<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) نیز به دست آمده است. بنابراین با توجه به نظریات حوزه روابط مبتنی بر اعتماد و نظریات مربوط به نقش روابط دوستانه در تجربه عواطف مثبت و مبتنی بر پژوهش‌های کالو و همکاران (۲۰۱۱)، هان و همکاران (۲۰۱۲) و لیونگ و همکاران (۲۰۱۱) می‌توان این پیش‌بینی را مطرح نمود که سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی در درجه اول موجب ارتقاء سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی شود.

مسئله بعدی پس از رابطه بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی، این است که پیامدهای باواسطه (برای سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی) و بی‌واسطه (برای سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی) دو شکل سرمایه‌گذاری مطرح در این پژوهش چه هستند؟ در پژوهش حاضر بر عملکرد به‌عنوان یکی از مهمترین پیامدهایی که اغلب سازمان‌ها و نهادها به دنبال بهینه‌سازی آن هستند، تمرکز شده است. عملکرد شغلی، نحوه عمل کیفی و کمی هر فرد در وظایف شغلی است که به‌عهده وی واگذار شده است. این وظایف که در قالب شرح وظایف شغلی مورد اشاره قرار می‌گیرد، وظایفی هستند که هر سازمانی بابت انجام آن‌ها به کارکنان خود حقوق و دستمزد پرداخت می‌کند (گل پرور، ۱۳۹۵؛ ویگوداگادت، بری، برمن شمش و سومچ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). پژوهش‌ها نشان می‌دهند، طیف متنوعی از متغیرهای شخصیتی (وینچور، شیپمن، سوئیتزر و راث<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸)، نگرش‌های

1. Vukadinovic Greetham, Hurling, Osborne & Linley

2. Calvo, Zheng, Kumar, Olgiati & Berkman

3. Han, Kim, Lee & Lee

4. Leung, Kier, Fung, Fung & Sproule

5. Vigoda - Gadot, Beeri, Birman - Shemesh & Somech

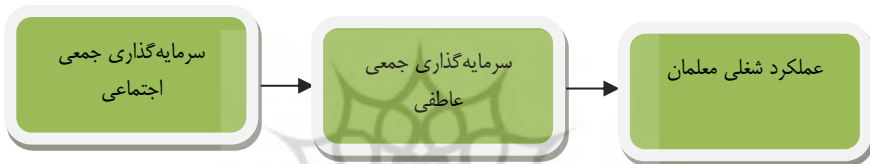
6. Vinchur, Schippman, Switzer & Roth



شغلی (باولینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷)، اشکال مختلف سرمایه‌های نرم انسانی نظیر سرمایه عاطفی، سرمایه اجتماعی، سرمایه روان‌شناختی و سرمایه معنوی (گل‌پرور، ۱۳۹۵) همراه با طیف متنوع متغیرهای دیگر با عملکرد شغلی افراد در محیط‌های مختلف در ارتباط هستند. از میان متغیرهای مورد اشاره، سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی و سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی دو متغیر بالقوه تاثیرگذار بر عملکرد شغلی محسوب می‌شوند. مطالعات الینگر و همکاران (۲۰۱۱a و ۲۰۱۳)، فروغی و گودرزوندچگینی (۲۰۱۶) و نعمتی و همکاران (۲۰۱۷) نشان داده که سرمایه‌گذاری سازمان بر سرمایه اجتماعی با عملکرد دارای رابطه مثبت است. به‌طور موازی مطالعات احمدپور (۱۳۹۶)، کاویان مبارکه (۱۳۹۶) و گل‌پرور (۱۳۹۵) نیز نشان داده که سرمایه عاطفی و سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی با عملکرد شغلی دارای رابطه مثبت هستند. تبیین نظریه‌بنیاد رابطه سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی با عملکرد شغلی، توسط گل‌پرور (۱۳۹۵) ارائه شده است. برای جلوگیری از اطاله کلام، به‌طور اختصار این رابطه (رابطه بین سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی با عملکرد شغلی) براساس رویکردهای نظری مانند رویکرد تجهیز نیرو و توان انسانی در اثر رخدادهای عاطفی در محیط کار به این شکل قابل توضیح است که تلاش‌های معطوف به ارتقاء سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی، زمینه بروز و تجربه حالات مثبت عاطفی مستتر در سرمایه عاطفی را فراهم می‌سازد. با فراهم شدن تجربه حالات مطرح در سرمایه عاطفی، توان پردازش و استفاده از ظرفیت‌های فردی بسط و گسترش می‌یابد. در پایان این برآیند، عملکرد شغلی ارتقاء بالا می‌رود (گل‌پرور، ۱۳۹۵). در پایان با ادغام دو سؤال جزئی این پژوهش (در خصوص وجود رابطه بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی و سپس رابطه بین سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی با عملکرد شغلی در معلمان) مسئله کلی و نهایی این پژوهش به این-ترتیب قابل طرح است: آیا الگوی ساختاری رابطه بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه-گذاری جمعی عاطفی و عملکرد شغلی معلمان دارای برازش مطلوبی با داده‌ها می‌باشد؟

درمجموع بر اساس آنچه در مقدمه و بیان مسئله بیان شد، این پژوهش با تمرکز بر حوزه‌های کاملاً نوین و با هدف ایفای سهم علمی در بسط و گسترش دانش علمی نوین در پاسخ به دو سؤال اصلی صورت‌بندی شده است. سؤال اول این که آیا سازه نوین سرمایه‌گذاری جمعی قادر است تا از طریق سازوکارهای انتقال احساس حمایت و اعتماد، زمینه ارتقاء سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی را فراهم کند؟ پاسخ به این سؤال برای اولین بار در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین اولین سهم و اهمیت پژوهش حاضر ارائه پاسخی علمی برای نقش سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی بر سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی است. پاسخ علمی به این سؤال در میان معلمان دارای این ضرورت است که به واسطه پیوندهای اجتماعی گسترده بین معلمان با همکاران، دانش‌آموزان و والدین، در صورتی که بتوان نقش سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی را بر سرمایه‌گذاری عاطفی در میان معلمان مستند نمود، می‌توان از پتانسیل معلمان در ارتقاء سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی و عاطفی در سطح

مدارس و خانواده‌ها بهره‌مند شد. سؤال دوم که محور اصلی در مطالعه حاضر است و تلوینحات حوزه اهمیت و ضرورت این پژوهش را به‌طور همزمان در بر می‌گیرد، این است که پس از تقویت احتمالی سرمایه‌گذاری عاطفی از طریق سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی، آیا سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی می‌تواند، شاخصی مانند عملکرد شغلی معلمان را ارتقاء بخشد؟ تلوینح نظری و اهمیت پاسخ به این سؤال نیز به این واقعیت معطوف است که چنان‌که سرمایه‌گذاری عاطفی قادر به ارتقاء عملکرد معلمان باشد، بستری نوین و کم‌هزینه (اجرای برنامه‌های ارتقاء سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی در محیط کاری معلمان و یا حتی محیط‌های اجتماعی دیگر با توجه به این‌که تلاش‌های این حوزه متمرکز بر استفاده از ظرفیت‌های موجود معلمان در محیط کاری خود است، نسبت به بسیاری دیگر از روش‌ها، روش‌های کم‌هزینه‌ای خواهند بود) برای ارتقاء عملی و کاربردی عملکرد معلمان در مدارس فراهم خواهد شد. مدل نظری پژوهش نیز که مبنای بیان مسئله در این پژوهش بوده، به-شرح شکل ۱ می‌باشد.



شکل ۱. مدل نظری و مفهومی در پژوهش حاضر

با توجه به مبنای نظری و حمایت‌های پژوهشی ارائه شده در مقدمه و بیان مسئله فرضیه کلی پژوهش نیز به این شرح است: الگوی ساختاری رابطه بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی و عملکرد شغلی معلمان از برآزش مطلوبی با داده‌ها برخوردار است.

## روش

مطالعه حاضر از نظر نوع پژوهش، یک پژوهش توصیفی و از نظر روش یک پژوهش همبستگی است. از آنجایی که هدف اصلی در پژوهش حاضر تعیین رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی و عملکرد معلمان بود، روش پژوهش همبستگی انتخاب گردید. جامعه آماری این پژوهش را کلیه معلمان مقطع ابتدایی در منطقه برخوردار در شهر اصفهان به تعداد سیصد و پنج نفر تشکیل داده‌اند. با توجه به توصیه نمونه ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر برای مطالعات مدل‌سازی معادلات ساختاری (شوماخر و لومکس، ۱۳۸۸)، حجم نمونه مورد نیاز برای پژوهش حاضر سیصد نفر در نظر گرفته شد. برای نمونه‌گیری بر مبنای روش تصادفی ساده عمل گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، ده پرسشنامه (معادل سه و سه درصد) به دلیل نقص در پاسخ‌گویی از پژوهش کنار گذاشته شدند، لذا گروه نمونه پژوهش به دویست و نود نفر تقلیل یافت.

## ابزارهای پژوهش

**(الف) پرسشنامه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی<sup>۱</sup> (SCIQ):** برای سنجش سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی، از پرسشنامه ۱۰ سؤالی ساخت و ارائه شده توسط گل‌پرور (۱۳۹۷) استفاده شد. مقیاس پاسخ‌گویی این پرسشنامه ده‌گزینه‌ای دوقطبی (۱ تا ۱۰) است. گل‌پرور (۱۳۹۷) روایی صوری این پرسشنامه را بر اساس پیشینه حوزه سرمایه اجتماعی مستند نموده است. در پژوهش حاضر روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی بررسی و مستند گردید. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی (مبتنی بر روش استخراج مولفه‌های اصلی و چرخش واریماکس) با KMO برابر با ۰/۸۷، آزمون کرویت بارتلت برابر با ۱۷۶۴/۳۷ و معنادار  $p < ۰/۰۰۱$  و بارهای عاملی ۰/۷۷ (برای سوال هشتم) تا ۰/۸۹ (برای سوال پنجم)، راه‌حلی دو عاملی (هر عامل پنج سوال) را به دست داد. با توجه به همبستگی بالای دو عامل استخراج شده، عامل سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی به‌عنوان یک عامل در نظر گرفته شد. علاوه بر این به‌عنوان شواهدی از روایی همگرایی پرسشنامه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی در پژوهش حاضر، بین امتیازات حاصل از این پرسشنامه با امتیازات حاصل از پرسشنامه سرمایه‌عاطفی (همبستگی برابر با ۰/۳۲ و  $p < ۰/۰۱$ ) و با امتیازات حاصل از رهبری صادقانه (همبستگی برابر با ۰/۲۳ و  $p < ۰/۰۱$ ) همبستگی مثبت و معناداری به‌دست آمد. پایایی این پرسشنامه بر حسب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۳ به‌دست آمد.

**(ب) پرسشنامه سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی<sup>۲</sup> (ACIQ):** برای سنجش سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی، از پرسشنامه ۲۰ سؤالی ساخت و ارائه شده توسط گل‌پرور (۱۳۹۷) استفاده شد. مقیاس پاسخ‌گویی این پرسشنامه پنج‌گزینه‌ای (خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵) است. گل‌پرور (۱۳۹۷) روایی صوری این پرسشنامه را بر اساس پیشینه حوزه سرمایه عاطفی (گل‌پرور، ۱۳۹۵) مستند نموده است. در پژوهش احمدپور (۱۳۹۶) روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی بررسی و مورد حمایت قرار گرفته و آلفای کرونباخ آن در قالب تک‌عاملی برابر با ۰/۹۷ به‌دست آمده است. در پژوهش حاضر روایی سازه این پرسشنامه مجدد از طریق تحلیل عاملی اکتشافی بررسی و مستند گردید. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی (مبتنی بر روش استخراج مولفه‌های اصلی و چرخش واریماکس) با KMO برابر با ۰/۹۶، آزمون کرویت بارتلت برابر با ۶۷۱۹/۶۸ و معنادار  $p < ۰/۰۰۱$  و بارهای عاملی ۰/۷۵ (برای سوال دهم) تا ۰/۸۸ (برای سوال شانزدهم) راه‌حلی تک‌عاملی را به‌دست داد. همچنین به‌عنوان شواهدی از روایی تمیزی سوالات پرسشنامه سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی، یک تحلیل عاملی اکتشافی به‌صورت همزمان بر روی سوالات این پرسشنامه و سوالات پرسشنامه سرمایه‌عاطفی (گل‌پرور، ۱۳۹۵) انجام شد. نتایج این تحلیل عاملی (مبتنی بر استخراج مولفه‌های اصلی و چرخش از نوع واریماکس - با KMO برابر با ۰/۹۵۶، و آزمون کرویت بارتلت

1. Social Collective Investment Questionnaire (SCIQ)

2. Affective Collective Investment Questionnaire (ACIQ)

برابر با ۱۳۹۲۸/۷۹ و معنادار  $p < ۰/۰۰۱$  به صورت کاملاً غیرهمپوش (حتی در یک مورد) سوالات سرمایه گذاری جمعی عاطفی را بر عاملی مستقل از سرمایه عاطفی قرار داد. علاوه بر این به عنوان شواهدی از روایی همگرایی پرسشنامه سرمایه گذاری جمعی عاطفی در پژوهش حاضر، بین امتیازات حاصل از این پرسشنامه با امتیازات حاصل از پرسشنامه سرمایه عاطفی (همبستگی برابر با ۰/۵۲ و  $p < ۰/۰۱$ ) و با امتیازات حاصل از سرمایه روان شناختی (همبستگی برابر با ۰/۲۸ و  $p < ۰/۰۱$ ) همبستگی مثبت و معناداری به دست آمد. پایایی این پرسشنامه بر حسب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۸ به دست آمد.

**ج) مقیاس عملکرد شغلی (JPS):** برای سنجش عملکرد شغلی معلمان، از مقیاس هفت سؤالی معرفی شده توسط ویگوداگادت و همکاران (۲۰۰۷) که گل پرور (۱۳۹۷) آن را برای اجرا در پژوهش های ایران ترجمه و آماده نموده، استفاده شد. مقیاس پاسخ گویی این پرسشنامه پنج گزینه ای (هرگز= ۱ تا همیشه= ۵) است. ویگوداگادت و همکاران (۲۰۰۷) از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی روایی سازه این پرسشنامه را مستند نموده و پایایی این پرسشنامه را بر حسب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۵ گزارش نموده اند. در این پژوهش روایی سازه هفت سؤال این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد. تحلیل عاملی اکتشافی (KMO برابر با ۰/۹، آزمون کرویت بارتلت برابر با ۲۶۱۱/۳۷ و معنادار  $p < ۰/۰۰۱$ ) ترکیب سؤالات معرفی شده در پرسشنامه اصلی را به دست داد. علاوه بر این به عنوان روایی همگرا، همبستگی مثبت و معناداری بین امتیازات حاصل از این مقیاس با امتیازات حاصل از مقیاس رهبری صادقانه (همبستگی برابر با ۰/۵۴ و  $p < ۰/۰۱$ ) و رفتارهای مدنی سازمانی (همبستگی برابر با ۰/۳۲ و  $p < ۰/۰۱$ ) به دست آمد. آلفای کرونباخ محاسبه شده نیز در پایان برای مقیاس عملکرد شغلی در این پژوهش برابر با ۰/۷۷ به دست آمد.

اجرای پرسشنامه های این پژوهش به صورت خود گزارش دهی بوده است. به این ترتیب که در آغاز هر پرسشنامه توصیفی خلاصه در اختیار افراد قرار گرفته تا مطالعه نموده و سپس اقدام به پاسخ گویی نمایند. در سطح استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. کلیه ی تحلیل های صورت گرفته با نرم افزار آماری SPSS<sup>۱</sup> نسخه ۱۸ و AMOS<sup>۲</sup> نسخه ۱۶ انجام شده است.

## یافته ها

از ۲۹۰ نفر نمونه پژوهش، ۳۷ نفر (معادل ۱۲/۷ درصد) دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۱۸۶ نفر (معادل ۶۴/۱ درصد) دارای تحصیلات لیسانس و ۶۶ نفر (معادل ۲۳/۲ درصد) دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند. اکثریت اعضای نمونه در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال (۱۴۲ نفر معادل با ۴۹

1. Statistical Package for Social Science (Version 18)  
2. Analysis of Moment Structures (AMOS)

درصد) و دارای سابقه شغلی تا ۱۰ سال (۱۲۶ نفر معادل با ۴۳/۴ درصد) و در وضعیت تاهل (۲۲۲ نفر معادل با ۷۶/۶ درصد) بودند. همچنین اکثریت اعضای نمونه را با توجه به نسبت معلمان زن و مرد در کل جامعه آماری، زنان (۲۱۱ نفر معادل با ۷۲/۸ درصد) تشکیل دادند. میانگین سنی نمونه برابر با ۳۸/۴۳ سال (با انحراف معیار برابر با ۷/۵۱ سال) و میانگین سابقه شغلی آن‌ها برابر با ۱۳/۳۸ سال (برابر با ۸/۳۵ سال) بود. در جدول ۱، میانگین، انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	M	SD	۱	۲
۱	عملکرد شغلی	۳/۶۹	۰/۶۵	-	
۲	سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی	۳/۴۱	۰/۸۲	۰/۱۳*	-
۵	سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی	۶/۱۲	۱/۳۲	۰/۰۹	۰/۳۲***

$p < .01^{**}$

چنان‌که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی ( $p < .01$ )، و بین سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی ( $p < .01$ )، با عملکرد شغلی (-) ( $p < .01$ )، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، ولی بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با عملکرد شغلی ( $p > .05$ ) رابطه مثبت و معنادار وجود ندارد. در ادامه تحلیل‌ها، الگوی پیشنهادی اولیه (شکل ۱ را نگاه کنید) با استفاده از الگوسازی معادله ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. یک الگوی مناسب از لحاظ شاخص‌های برازش باید دارای  $\chi^2$  دو غیرمعنادار، نسبت  $\chi^2$  دو به درجه آزادی کمتر از ۳، شاخص نیکویی برازش<sup>۱</sup> (GFI) و شاخص برازش تطبیقی<sup>۲</sup> (CFI) بیشتر از ۰/۹۵، شاخص برازش افزایشی<sup>۳</sup> (IFI) بزرگتر از ۰/۹، ریشه میانگین مجذورات باقیمانده<sup>۴</sup> (RMSR) کوچکتر از ۰/۰۵ و تقریب ریشه میانگین مجذورات خطا<sup>۵</sup> (RMSEA) کوچکتر از ۰/۰۸ باشد (میرز، گامست و گوارینو، ۲۰۰۶) باشد. در جدول ۲ نتایج الگوسازی معادله ساختاری برای الگوی نهایی پژوهش آمده است.

1. Goodness of Fit Index (GFI)
2. Comparative Fit Index (CFI)
3. Incremental Fit Index (IFI)
4. Root Mean Square of Residual (RMSR)
5. Root Mean Square of Error Approximation (RMSEA)
6. Meyers, Gamst & Guarino

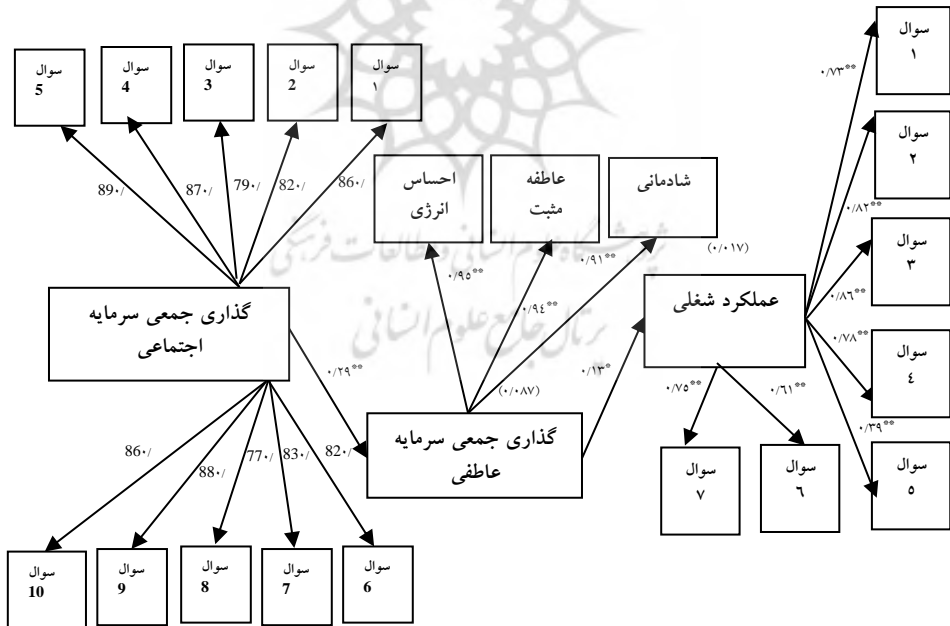
جدول ۲. مسیرهای مدل رابطه سرمایه گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه گذاری جمعی عاطفی و

عملکرد شغلی

ردیف	مسیرهای مدل	B	SE	$\beta$	p	R2
۱	سرمایه گذاری جمعی اجتماعی ← سرمایه گذاری جمعی عاطفی	۰/۱۷**	۰/۰۳	۰/۲۹**	۰/۰۰۱	۰/۰۸۷
۲	سرمایه گذاری جمعی عاطفی ← عملکرد شغلی	۰/۱۱*	۰/۰۵	۰/۱۳*	۰/۰۲۷	۰/۰۱۷

\* $p < 0/05$  \*\* $p < 0/01$

چنان که در جدول ۲ مشاهده می شود، سرمایه گذاری جمعی اجتماعی ( $\beta = 0/29, p < 0/01$ ) با سرمایه گذاری جمعی عاطفی دارای رابطه معنادار است و توانسته ۸/۷ درصد از واریانس این متغیر را تبیین کنند. در ادامه سرمایه گذاری جمعی عاطفی ( $\beta = 0/13, p < 0/05$ ) با عملکرد شغلی دارای رابطه معنادار بوده و توانسته ۱/۷ درصد از واریانس این متغیر را تبیین نمایند. شاخص های برازش مدل نهایی نیز به این شرح بود:  $\chi^2$  دو مدل نهایی برابر با ۱/۳۹ و غیرمعنادار ( $p > 0/05$ )، درجه آزادی برابر با ۴، نسبت  $\chi^2$  دو به درجه آزادی برابر با ۰/۳۴۸، GFI برابر با ۰/۹۹۸، CFI برابر با ۱، IFI برابر با ۱، RMR برابر با ۰/۰۱۲ و RMSEA برابر با ۰/۰۰۱ است. در شکل ۲ الگوی نهایی پژوهش ارائه شده است.



شکل ۲. الگوی ساختاری نهایی پژوهش

چنان‌که در شکل ۲ دیده می‌شود، سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با عملکرد شغلی از طریق سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی دارای رابطه غیرمستقیم است. در جدول ۳، اثرات غیرمستقیم مطرح در مدل نهایی (شکل ۲) ارائه شده است.

جدول ۳. اثرات غیرمستقیم و مستقیم مدل نهایی پژوهش در حالت استاندارد و غیراستاندارد

ردیف	اثرات غیرمستقیم	عملکرد شغلی معلمان غیراستاندارد استاندارد
۱	اثر غیرمستقیم سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی بر عملکرد شغلی از طریق سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی	*۰/۰۱۹ *۰/۰۳۹

$p < 0.05$

ضرایب ارائه شده در جدول ۳ براساس منابع موجود و همچنین آزمون بوث‌استراپ در سطح  $p < 0.05$  معنادار هستند. بررسی اثرات واسطه‌ای نیز حاکی از آن بود که سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی متغیر واسطه‌ای کامل<sup>۱</sup> در رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با عملکرد شغلی در معلمان است. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۲ و ۳ فرضیه کلی پژوهش مبنی بر این‌که الگوی ساختاری رابطه بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی و عملکرد شغلی معلمان از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار است، مورد تایید قرار می‌گیرد.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش که با هدف بررسی رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی و عملکرد شغلی در قالب یک مدل نوین سه سطحی (مدل سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی ← سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی ← عملکرد شغلی) اجرا گشت، تلویحات و حمایت‌هایی از اثرات سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی بر سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی و به‌دنبال آن بر عملکرد شغلی در معلمان به‌دست داد. اولین سطح از روابط در مدل ارائه شده در این پژوهش، رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی بود. رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی در این پژوهش، به‌طور ضمنی با یافته‌های پژوهشی ارائه شده توسط کالو و همکاران (۲۰۱۱)، هان و همکاران (۲۰۱۲) و لیونگ و همکاران (۲۰۱۱) مبنی بر رابطه بین شاخص‌های سرمایه‌گذاری جمعی با عاطفه مثبت و شادمانی همسویی نشان می‌دهد. همچنین رابطه میان سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی در این پژوهش را می‌توان با تأکیدات بودریو (۱۹۸۹) و پکستون (۱۹۹۹ و ۲۰۰۲) در مورد وجود مولفه هیجان و عاطفه مثبت برای سرمایه‌گذاری جمعی دارای همسویی دانست. البته رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه-

1. complete mediator

گذاری جمعی عاطفی فراتر از رابطه شاخص‌های سرمایه اجتماعی با عاطفه مثبت و شادمانی به - عنوان دو عنصر اصلی سرمایه عاطفی (گل‌پرور، ۱۳۹۵)، حاکی از نوعی سرریز شدگی اجتماعی - عاطفی از تلاش‌های معطوف به سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی به تلاش‌های سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی است.

در پژوهش‌های در دسترس، نظریات حوزه روابط مبتنی بر اعتماد (بوتلر و راندال، ۲۰۱۲؛ سیمپسون، ۲۰۰۷)، همراه با نظریات معطوف به نقش روابط دوستانه در ایجاد حالات عاطفی مثبت (نیون و همکاران، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲) بر این ایده زیربنایی متمرکز هستند که روابط بین‌فردی مبتنی بر حمایت، اعتماد و تلاش برای رفاه و بهزیستی طرف مقابل درگیر در روابط دوگانه و یا روابط دوستانه چندگانه، عنصر محوری در تجربه حالات هیجانی و عاطفی مثبت است. به معنایی ساده‌تر، وقتی انسان‌ها در اثر روابط اجتماعی که با همنوعان خود دارند، حس اطمینان، اعتماد، مورد حمایت بودن که تجاربی مورد تأکید برای حضور سرمایه اجتماعی هستند را تجربه می‌کنند، تجربه عواطف مثبت نیز اتفاق می‌افتد. این تجربه عواطف مثبت خود تابع این سازوکار و ارزیابی شناختی - عاطفی است که وجود روابط بین‌فردی و اجتماعی مبتنی بر اعتماد، حمایت و مراقبت، از یک طرف تضمینی برای ارضاء نیازهای اجتماعی و روانی نظیر نیاز به پیوندجویی خواهد بود و از طرف دیگر احساس تعلق و ارزشمندی اجتماعی را در انسان‌ها بالا می‌برد. افزایش حس ارضاء نیازهای روانی - اجتماعی همراه با افزایش احساس تعلق و ارزشمندی سازوکارهای اصلی برای افزایش سرمایه عاطفی انسان هستند (گل‌پرور، ۱۳۹۵).

اما رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی، همزمان با تاثیرپذیری از سازوکارهای مربوط به افزایش حس ارضاء نیازهای روانی اجتماعی همراه با افزایش احساس تعلق و ارزشمندی، خود نمایان‌گر سازوکاری انتقالی موسوم به سرریز شدگی اجتماعی - عاطفی است. اگرچه ممکن است متناسب با رویکرد نسبت‌گرایی نظری (گل‌پرور، ۱۳۹۵) شرایط بافتی و زمینه‌ای دیگری هم وجود داشته باشد که در آن سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی پیشایند سرمایه‌گذاری اجتماعی برای نگرش‌ها و رفتارهای مثبت و منفی انسانی باشد، ولی با توجه به ظرفیت‌های بالقوه اشکال مختلف سرمایه نرم انسانی برای جای‌گشت‌پذیری کارکردی (به معنای تبدیل شدن یک متغیر پیشایند به یک متغیر پیامد با تغییر بافت و شرایط مطالعه)، حتی اگر در شرایطی هم سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی پیشایند سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی شناسایی و ارائه شود، تبیین‌های مربوطه با تبیین‌های مطرح در این پژوهش تناقضی پیدا نخواهند کرد. به هر حال، نکته با اهمیت در ادامه تبیین‌های مربوط به رابطه بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی، توجه به سرریز شدگی تلاش‌محور اجتماعی - عاطفی است. توضیح ساده‌تر سرریز شدگی تلاش‌محور اجتماعی - عاطفی، همان انتقال اثرات مثبت تلاش‌های معطوف به سرمایه‌گذاری بر ارتقاء اعتماد بین‌فردی و تمایل به رفاه جمعی به تلاش‌های معطوف به ارتقاء سرمایه عاطفی دیگران به‌جای خود است. سوالی که در تبیین کنونی باید به به‌خوبی به آن توجه شود، این است که چه اتفاقی می‌افتد،



وقتی افراد احساس می‌کنند که تلاشی جمعی در محیط اجتماعی یا محیط کاری آن‌ها در راستای ارتقاء اعتماد متقابل بین فردی و تمایل به رفاه جمعی وجود دارد؛ دست به تلاش و کوشش مضاعف برای ارتقاء جمعی سرمایه عاطفی می‌زنند؟

در پاسخ به این سؤال و در راستای کامل‌تر نمودن تبیین‌های نظری این پژوهش به نظر می‌رسد که بتوان این تلاش فزاینده برای ارتقاء سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی در راستای سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی را بتوان با تمرکز بر ارزشمندی و اهمیت اعتماد متقابل و رفاه جمعی برابر توضیح داد. تردیدی وجود ندارد که در اکثر قریب به اتفاق جوامع امروز بشری، حتی در جوامعی که فردگرایی تسلط نیومندتری دارد، برای به ثمر نشستن تلاش فردی، کماکان سرمایه اجتماعی نیازی بنیادی باشد. در راستی حمایت از این تبیین دوریک (۲۰۱۶) بر این یافته و نتیجه تأکید نموده که سرمایه اجتماعی عنصری با اهمیت در ایجاد روابط دمکراتیک در جوامع است. فراتر از این، سرمایه اجتماعی نقشی انکارناپذیر برای سلامتی انسان و جوامع ایفاء می‌کند (گیلبرت و همکاران، ۲۰۱۳). با توجه به نکات مورد اشاره، مواجه شدن با سرمایه‌گذاری اجتماعی معطوف به اعتماد متقابل در روابط بین فردی و رفاه و سلامتی جمعی در محیط‌های اجتماعی انسان را ترغیب به تلاش‌های بیشتر برای حفظ و ارتقاء شرایط موجود می‌کند. ترغیب به تلاش بیشتر در یکی از اشکال خود، افزایش تلاش‌های معطوف به سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی خواهد بود. از نگاه کارکردگرایی عملی، این افزایش تلاش برای ارتقاء سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی، نمی‌تواند آخرین حلقه رخدادهای اجتماعی و روانی ممکن باشد. ساده‌ترین دلیل این امر آن است که هر سازه مثبت که نظریه‌پردازان یا پژوهشگران مدعای سودمندی آن‌ها را مطرح می‌کنند، لازم است در سطح فردی و اجتماعی پیامدهای محسوس (سودمندی) در پی داشته باشد. در همین راستا به‌عنوان متغیر پیامد نهایی برای مدل نظری این پژوهش، عملکرد شغلی معلمان در نظر گرفته شد.

سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی به‌طور مستقیم با عملکرد شغلی معلمان رابطه معناداری نشان نداد (جدول ۱ را نگاه کنید)، اما با حضور سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی در مدل پژوهش، علاوه بر رابطه مثبت بین سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی با عملکرد شغلی، کلیت مدل نیز برازش مطلوبی را با داده‌ها به‌دست داد. رابطه سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی با عملکرد به‌عنوان آخرین حلقه مطرح در مدل نظری این پژوهش (شکل ۱ و ۲ را نگاه کنید) با نتایج گزارش شده توسط گل‌پرور (۱۳۹۵)، صفری (۱۳۹۶) و احمدپور (۱۳۹۶) مبنی بر رابطه بین سرمایه عاطفی و سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی با عملکرد دارای همسویی است. این رابطه به‌طور ضمنی سودمندی سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی را از لحاظ نظری و پژوهشی نشان می‌دهد. سرمایه عاطفی و به تبع آن سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی دارای کارکرد بسط و گسترش ظرفیت‌های شناختی و پردازشی و طی یک فرایند رو به جلو موجب گسترش ظرفیت‌های رفتاری و مهارتی در انسان‌ها می‌شوند. این توان گسترش ظرفیت‌های شناختی، پردازشی، رفتاری و مهارتی تابع سازوکارهای عصب روان‌شناختی و عصب زیست‌شناختی تأیید شده هستند (گل‌پرور، ۱۳۹۵). با گسترش ظرفیت‌های مورد اشاره امکان تسهیل

و ارتقاء عملکرد افراد در وظایف و تکالیف شغلی‌اشان افزایش می‌یابد. نکته‌نهایی که باید در تبیین نتایج به آن توجه شود، الگوی یکپارچه رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی و عملکرد شغلی و یا همان نقش واسطه‌ای سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی در رابطه سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با عملکرد شغلی است. مطابق با نظریه رخدادهای عاطفی واسطه‌ای (گل-پرور، ۱۳۹۵)، رخدادهای اجتماعی و محیطی برای انسان‌ها جهت انتقال اثر خود به رفتار و عملکرد در معنای جامع آن، نیازمند عناصر واسطه‌ای عاطفی هستند. این عناصر عاطفی واسطه‌ای، به این دلیل ضروری هستند که امکان تجهیز نیرو و توان را در انسان فراهم می‌کنند. به‌عبارت دیگر این عناصر عاطفی واسطه‌ای، نیروی انگیزش درونی برای انتقال اثر رخدادهای محیطی و اجتماعی را به سطح رفتار و عملکرد فراهم می‌آورند. تایید نقش واسطه‌ای سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی در رابطه بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با عملکرد شغلی در معلمان نیز در همسویی با مفروضات مطرح در رویکرد نظری رخدادهای عاطفی واسطه قرار دارد.

در جمع‌بندی پایانی، با ارائه تلخیصی از مهمترین تلویحات نظری و پژوهشی مطرح برای پژوهش حاضر، به محدودیت‌ها و پیشنهادات پژوهشی و کاربردی خواهیم پرداخت. اولین تلویح نظری و پژوهشی برای این پژوهش به‌دست آمده، شواهدی برای رویکرد نظری انتقال اثر تلاش-های اجتماعی به تلاش‌های عاطفی یا همان رویکرد سرریزشدگی اجتماعی - عاطفی است. نتایج این پژوهش شواهدی اولیه در این‌باره که تلاش برای سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی زمینه ارتقاء تلاش برای سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی را فراهم می‌کند، به دست داد. دومین تلویح نظری و پژوهشی به تایید نیاز به سازه‌های عاطفی در رابطه بین سازه‌های محیطی و اجتماع‌محور با سازه‌های رفتاری و عملکردمحور مربوط می‌شود. علی‌رغم عدم رابطه معنادار در سطح همبستگی ساده بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با عملکرد شغلی در معلمان، با حضور سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی در مدل نهایی، رابطه غیرمستقیم معنادار بین سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی با عملکرد شغلی به‌دست آمد. این یافته دارای این تلویح اولیه است که متغیرهایی مانند سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی می‌توانند متغیرهای واسطه (میانجی) تسهیل‌گر باشند. از دل تلویح دوم مورد اشاره، تلویح سوم که معطوف به تأیید برخی مفروضات و پیش‌بینی‌های رویکرد نظری رخدادهای واسطه عاطفی در بین رخدادهای محیطی و اجتماعی با رفتار و عملکرد است، نمایان می‌شود. ادامه روند پژوهش و نظریه-پردازی در حوزه سرمایه‌گذاری‌های نرم انسانی نظیر بررسی کارکردها و نقش‌های سرمایه‌گذاری جمعی معنوی و سرمایه‌گذاری جمعی روان‌شناختی در کنار سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی و سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی مهمترین پیشنهاد پژوهشی برای پژوهش‌های آینده به پژوهشگران علاقه‌مند به این عرصه علمی و پژوهشی است. از نگاه کاربردی نیز پیشنهادات متعددی را می‌توان برای نظام‌ها و سازمان‌های آموزش و پرورش در کنار مدارس در ایران مطرح نمود. تلاش همه‌جانبه برای ایجاد و ارتقاء سطح سرمایه اجتماعی و سرمایه عاطفی مدارس و معلمان و به تبع به واسطه ارتباطاتی که معلمان و مدارس با دانش‌آموزان، و با والدین و خانواده‌ها دارند، از طریق فراهم‌سازی

زمینه‌هایی نظیر دخالت دادن شاخص‌های مربوط به سرمایه‌گذاری جمعی اجتماعی و عاطفی معلمان در حین کار در فرم‌های ارزیابی عملکرد سالیانه معلمان، به منظور مشخص نمودن اهمیت این موارد برای کارآمدی عملکردی معلمان، مدارس و نظام‌های آموزشی، می‌تواند، نقطه شروع مناسبی برای نهادینه‌سازی تلاش‌های جمعی و همه‌جانبه برای سرمایه‌گذاری‌های نرم جمعی و انسانی باشد. در پایان باید متذکر شد که استفاده عملی، نظری و پژوهشی از تمامی تفسیرها و دانش علمی مطرح در این نوشتار لازم است با در نظر داشتن محدودیت‌های مطرح در این پژوهش انجام شود. محدودیت اول پژوهش به تمرکز نمونه پژوهش بر معلمان مقطع ابتدایی مربوط می‌شود. به همین دلیل تا زمان تکرار نتایج در گروه‌های نمونه دیگر در تعمیم نتایج لازم است، احتیاط شود. محدودیت دیگر این پژوهش اجتناب از تفسیرهای علت معلولی است. نتایج این پژوهش مبتنی بر ارتباط‌سنجی (- مدل ساختاری) است، بنابراین از تفسیر نتایج به شکل علی تام باید دوری شود.

## منابع

- احمدپور، م. (۱۳۹۶). الگوی ساختاری رابطه رهبری صادقانه با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی، رفتارهای مدنی - سازمانی و عملکرد شغلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان).
- ستارخانی‌مقدمی، ن. (۱۳۹۶). رابطه استرس شغلی با رفتارهای نوآورانه و رفتارهای مدنی - سازمانی با توجه به نقش واسطه‌ای سرمایه عاطفی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان).
- سیمی، ز.، آقابوسفی، ع.ز.، مخلوق، م.، و محمدی، م. (۱۳۹۶). نقش سرمایه اجتماعی و شاخص‌های سلامت اجتماعی خانواده در پیش‌بینی نگرش به بزهکاری فرزندان. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۷(۲۵)، ۳۸ - ۲۳.
- شوماخر، ر.، جی، و لومکس، ر.، ای. (۲۰۰۴). مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله ساختاری. ترجمه وحید قاسمی. (۱۳۸۸). چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- عرب‌یارمحمدی، ف.، و الهی، ط. (۱۳۹۶). سرمایه اجتماعی و گرایش به فرار از خانه دختران دبیرستانی نقش واسطه‌ای خوش‌بینی و امیدواری. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۷(۲۷)، ۱۲۱ - ۱۰۱.
- عسکری‌نیا، م. ح. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاری سازمان در سرمایه اجتماعی، تعلق کارکنان، پیامدهای کاری و عملکرد مشتری در بانک‌های تجارت استان ایلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام.

- صفری، س (۱۳۹۶). الگوی ساختاری رابطه استرس شغلی با سرمایه‌گذاری جمعی عاطفی، فرسودگی هیجانی و رفتارهای مدنی - سازمانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان).
- قاضی‌فر، ع، نیلی‌پور، س. ا، و اکبری، م. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی روی تعهد و عملکرد کارکنان شهرداری دوگنبدان. دومین همایش ملی بررسی راهکارهای ارتقاء مباحث مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع در سازمان‌ها، گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گچساران.
- کاویان‌مبارکه، ن. (۱۳۹۶). الگوی ساختاری رابطه استرس شغلی و فرسودگی هیجانی با سرمایه عاطفی، عملکرد و موفقیت شغلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان).
- گل‌پرور، م. (۱۳۹۵). سرمایه عاطفی: کارکردها و ضرورت‌ها. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- گل‌پرور، م. (۱۳۹۷). سنجش کاربردی در روان‌شناسی سازمانی - جلد دوم. چاپ اول، اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان).
- Adler, P., & Kwon, S. (2002). Social capital: Prospects for a new concept. *Academy of Management Review*, 27(1), 17-40.
- Bourdieu, P. (1983). Forms of capital. In J. G. Richardson (ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-58). New York: Greenwood.
- Bowling, N.A. (2007) Is the job satisfaction-job performance relationship spurious? A meta-analytic examination. *Journal of Vocational Behavior* 71(), 167-185.
- Butler, E. A., & Randall, A. K. (2013). Emotional co-regulation in close relationships. *Emotion Review: Journal of the International Society for Research on Emotion*, 5(2), 202-210.
- Calvo, R., Zheng, Y., Kumar, S., Olgiati, A., & Berkman, L. (2012). Well-being and social capital on planet earth: Cross-national evidence from 142 countries. *Plos One*, 7(8), 1-10. e42793.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
- Coleman, J. S. (1990). *Foundations of social theory*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Đorić, Z. (2016). The role of social capital in developing democracies. *Law and Politics*, 14(4), 561-575.
- Ellinger, A. D., Ellinger, A.E., Bachrach, D. G., Wang, Y., & Elmadağ Baş, A. B. (2011a) Organizational investments in social capital, managerial coaching, and employee work-related performance. *Management Learning* 42(1), 67-85.
- Ellinger, A. E., Elmadağ Baş, A. B., Ellinger, A. D., Wang, Y., & Bachrach, D. G. (2011b) Measurement of organizational investments in social capital:

- The service employee perspective. *Journal of Business Research*, 64(6), 572-578.
- Ellinger, A. E., Musgrove, C. F., Ellinger, A. D., Bachrach, D. G., Elmadağ Baş, A. B., & Wang, Y.-L. (2013). Influences of organizational investments in social capital on service employee commitment and performance. *Journal of Business Research*, 66(8), 1124-1133.
  - Farr, J. (2004). Social capital: a conceptual history. *Political Theory*, 32(1), 6-33.
  - Foroughi, N., & Gudarzvand Chegini, M. (2016). Influences of organizational investments in social capital on Iran Insurance's employee commitment and performance. *Journal of Current Research in Science*, S(1), 674-679.
  - Gabbay, S. M., & Zuckerman, E. W. (1998). Social capital and opportunity in corporate R&D: The contingent effect of contact density on mobility expectations. *Social Science Research*, 27(2), 189-217.
  - Gargiulo, M., & Bernassi, M. (1999). The dark side of social capital. In R. Th. A. J. Leenders & S. M. Gabbay (Eds.), *Corporate social capital and liability* (pp. 298-322). Boston: Kluwer.
  - Gilbert, K. L., Quinn, S. C., Goodman, R. M., Butler, J., & Wallace, J. (2013). A meta-analysis of social capital and health: A case for needed research. *Journal of Health Psychology*, 18(11), 1385-1399.
  - Golparvar, M., & Javadian, (2016). The spiritual capital scale: development and psychometric properties. *Journal of Research & Health*, 5(4), 25-35.
  - Han, S., Kim, H., Lee, E.-S., & Lee, H.-S. (2012). The contextual and compositional associations of social capital and subjective happiness: A multilevel analysis from Seoul, South Korea. *Journal of Happiness Studies*, 14(4), 1183-1200.
  - Izzo, F. (2017). Stakeholders and museum crowd funding. *Modern Economy*, 8(4), 518-530.
  - Leung, A., Kier, C., Fung, T., Fung, L., & Sproule, R. (2011). Searching for happiness: The importance of social capital. *Journal of Happiness Studies*, 12(3), 443-462.
  - Luthans F. (2002). Positive organizational behavior: Developing and managing psychological strengths. *Academy of Management Executive*, 16(1), 57-72.
  - Meyers, L.S., Gamst, G., & Guarrino, A.J. (2006). *Applied multivariate research: design and interpretation*. Thousand Oaks, London: SAGE publications.
  - Mollick, E. (2014). The dynamics of crowd funding: An exploratory study. *Journal of Business Venturing*, 29(1), 1-16.
  - Moritz, A., & Block, J. (2015). Crowd funding: A literature review and research directions. In Brüntje, D., & Gajda, O. (Eds.), *Crowd funding in Europe* (pp. 25-53). Springer International Publishing.
  - Nemati, M. A., Akbarzadeh Safooei, M., Zangiyan, S., & Baqersad Ranani, M. (2017). The role of social capital, commitment, and organizational citizenship behavior in improving job performance (case study: Khoy

- municipality). *A Quarterly Journal of Urban Economics and Management*, 5(1/17), 111-122.
- Neubert, M. J., Bradley, S. W., Ardianti, R., & Simiyu, E. M. (2015). The role of spiritual capital in innovation and performance: Evidence from developing economies. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 41(4), 621-640.
  - Niven, K., Holman, D., & Totterdell, P. (2012). How to win friendship and trust by influencing people's feelings: An investigation of interpersonal affect regulation and the quality of relationships. *Human Relations*, 65(6), 777-805.
  - Niven, K., Totterdell, P., & Holman, D. (2009). A classification of controlled interpersonal affect regulation strategies. *Emotion*, 9(4), 498-509.
  - Paxton, P. (1999). Is social capital declining in the United States? A multiple indicator assessment. *American Journal of Sociology*, 105(1), 88-127.
  - Paxton, P. (2002). Social capital and democracy: An interdependent relationship. *American Sociological Review*, 67(2), 254-277.
  - Portes, A. (1998). Social capital: Its origins and applications in modern sociology. *Annual Review of Sociology*, 24, 1-24.
  - Portes, A. (2000). The two meanings of social capital. *Sociological Forum* 15, 1-11.
  - Robertson, P. J. (2015). Positive psychology: A movement to reintegrate career counseling within counseling psychology? *Counseling Psychology Review*, 30(3), 26-35.
  - Simpson, J. A. (2007). Psychological foundations of trust. *Current Directions in Psychological Science*, 16(5), 264-268.
  - Vigoda-Gadot, E., Beerli, I., Birman-Shemesh, T., & Somech, A. (2007). Group-level organizational citizenship behavior in the education system: a scale reconstruction and validation. *Educational Administration Quarterly*, 43(4), 462-493.
  - Vinchur, A., Schippman, J., Switzer, F., & Roth, P. (1998). A meta-analytic review of the predictors of job performance for salespeople. *Journal of Applied Psychology*, 83(4), 586-597.
  - Vukadinovic Greetham, D., Hurling, R., Osborne, G., & Linley, A. (2011). Social networks and positive and negative affect. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 22, 4-13.